

دریافت نفقه آری یا خیر؟

«نگاهی بر حق نفقه در فقه و قوانین ایران و مقایسه آن با کنوانسیون رفع تبعیض از زنان»

ناهید محمدزاده

چکیده

خدای تعالی در نظر گرفتن طبیعت و تفاوت‌های جسمی - روحی زن و مرد و لحاظ نمودن مصالح جامعه احکام و مقرراتی را تعیین نموده که همگی در جهت کسب کمالات و فضایل الهی و سعادت نهایی انسان‌ها می‌باشند. به علاوه احکام و دستورات ویژه‌ای در خصوص حفظ و حمایت از حقوق و مصالح زنان وضع نموده است. همچنان که تدوین قوانین و لوایح قضایی و دیگر قوانین اجرایی ج.ا.ا همگی در راستای تحقق این اهداف منظور گردیده است. در این میان یکی از حقوق مهم مالی زنان، حق دریافت نفقه می‌باشد که به عنوان تکلیفی یک طرفه بر عهده پدران و شوهران می‌باشد. مقاله حاضر که با هدف تبیین و بررسی مفهوم، فلسفه، ماهیت، اسباب، مقدار و میزان نفقه، دلایل وجوب، شرایط سقوط و احکام نفقه ضمانت‌های اجرایی (حقوقی - کیفری) از منظر فقه اسلام و قوانین

ایران و مقایسه آن با جایگاه نفقه و آثار حذف آن در کنوانسیون رفع تبعیض از زنان به نگرارش درآمد، درصد تأکید بر امتیازات حقوق اسلامی در زمینه حقوق زنان می باشد. امید که این اندک مرتفع کننده نیازهای فرهنگی، فقهی و حقوقی خوانندگان محترم گردد.

کلیدواژه: نفقه، فقه، حقوق ایران، زن، کنوانسیون رفع تبعیض از زنان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

با سیر در تاریخ پر فراز و نشیب بشریت درمی یابیم زنان همواره مورد ظلم و بی عدالتی قرار گرفته و آنچنان که باید از جایگاه متناسب با شأن و شخصیت خویش برخوردار نبودند. در پاسخ به این بی عدالتی ها، رفع محرومیت ها و حفظ حقوق زنان بسیاری از معاهدات، کنوانسیون ها، پیمان های بین المللی تصویب و به اجرا درآمدند. ظهور دیدگاه های متفاوت و افراط و تفریط در آراء در زمینه حقوق زنان، مسائل زنان را در کشمکش طاق فرسا فرو برده است. به طوری که علی رغم تمامی تلاش ها و هم نظری ها نه تنها مواد یا اصول ارائه شده با نیازها و ظرفیت های زنان همخوانی و هماهنگی ندارد؛ بلکه هیچکدام نتوانستند جایگاه واقعی و شأن والای زنان را تعالی، تحکیم و تثبیت نمایند. این در حالی است که دین مبین اسلام با آموزه های و حیانی در هزار و چهارصد سال پیش با نگاهی همه جانبه، مقدس و الهی با تأکید بر هویت و حقوق انسانی ضمن در نظر گرفتن ظرفیت ها، تفاوت ها، خصوصیات، نیازها و استعدادها، منافع و مصالح و به دور از هرگونه تبعیض و نابرابری علاوه بر احکام و حقوق مشترک زن و مرد، حقوق ویژه ای برای زنان وضع نموده است. یکی از حقوق مهم مالی - اسلامی زنان حق دریافت نفقه می باشد که احکام و دستورات ویژه ای برای آن وضع گردیده است. این در حالی است که در کنوانسیون رفع تبعیض از زنان که از جمله اسناد بین المللی در حوزه زنان می باشد، نفقه از عوامل تبعیض و نشانه وابستگی زنان به شمار می آید. از این جهت مغایر با اصول و احکام اسلامی می باشد؛ لذا جهت مقابله با نسبت های ناروا و لزوم پاسخگویی به برخی از شبهات و القانات پیش آمده بررسی حق دریافت نفقه از منظر دین اسلام و قوانین ایران و مقایسه آن

با کنوانسیون رفع تبعیض از زنان لازم می‌نماید. بر این اساس مقاله حاضر با هدف پاسخگویی به سؤال حق دریافت نفقه و چرایبی و چگونگی آن در اسلام و قوانین ایران، بر آن است تا ضمن عمل به تکلیف به تبیین و بررسی مفهوم، جایگاه، فلسفه و ماهیت شرایط لزوم و سقوط نفقه در فقه اسلام و قوانین ایران پرداخته، آنگاه نگاهی مقایسه‌ای به جایگاه و آثار سقوط نفقه در کنوانسیون رفع تبعیض از زنان داشته باشد. روش بررسی نظری و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و فیش‌برداری انجام گرفته است. برای این منظور با جستجو در منابع معتبر کتابخانه تخصصی مرکز موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی و نیز منابع اینترنتی، کتب و مقالات مرتبط با موضوع انتخاب گردیدند.

۱. مفهوم‌شناسی

جهت تبیین و درک هر چه بهتر مباحث آشنایی با برخی اصطلاحات و مفاهیم لازم می‌نماید.

۱-۱ حق

- حق در لغت: حق در لغت به معنی راست و درست، ضد باطل، ثابت و واجب و هر کاری است که البته واقع شود و نیز به معنای یقین، عدل نصیب و بهره از چیزی و ملک و مال به کار می‌رود. (عمید، ۱۳۷۱)

- حق در اصطلاح فقه: حق در فقه به دو معنی به کار می‌رود. نخست: حق در مقابل حکم به این معنی که در قانون اموری پیش‌بینی شده که شخص می‌تواند به قصد خود بعضی از آنها را تغییر دهد، این امور قابل تغییر را حق گویند. دوم: حق به معنای نوعی از مال است در مقابل عین، دین، منفعت و انتفاع. (جعفری لنگرودی، ۱۳۳۸)

- حق در اصطلاح حقوق: حق توانایی و قدرتی است که حقوق هر کشور را به اشخاص می‌دهد تا از آن به طور مستقیم استفاده کنند و یا انتقال مال و انجام کاری را از دیگری بخواهند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۴۹)

۲-۱ نفقه

یکی از مهم‌ترین حقوق مالی زن حق دریافت نفقه می‌باشد که تا زمانی که در منزل پدری می‌باشد به عهده پدر یا جد پدری و پس از عقد دائم به عنوان تکلیف بر عهده مرد می‌باشد؛ لذا آشنایی با مفاهیم نفقه جهت ورود به بحث لازم می‌باشد.

۱-۲-۱ معنای لغوی نفقه

الف. در فرهنگ عرب: نفقه به فتح اول و دوم و سوم که جمع آن نفقات یا انفاق می‌باشد، واژه‌ای عربی است که بدون تغییر در فرهنگ حقوق ایران به کار رفته است، به معنای «هزینه زندگی و عیال و اولاد و آنچه که انفاق کنند» می‌باشد. (عمید، ۱۳۷۱: ۱۹۱۳)

دانشمندان علم لغت نیز تعاریف مختلفی از نفقه کرده‌اند، ابن عابدین در رد المختار علی در المختار می‌نویسد: «بهترین تعریف آن است که نفقه از ریشه نفوق به معنی رفتن و هلاک شدن، خرج کردن بدانیم چون بنا به نظر ادیب مشهور زمخشری هر کلمه‌ای که فاء‌الفعال آن حرف ن و عین‌الفعال آن حرف ف باشد، به معنای خروج و ذهاب دلالت می‌کند. مانند: نفق، نقد، نفخ، نفی و... نفقه از این جهت نفقه نامیده شده که آنچه مرد برای همسرش خرج می‌کند به شکلی از مال وی خارج شده و صرف زندگی همسرش می‌شود.» (ابن عابدین، ۱۳۷۵: ۶۴۳)

علماء امامیه نیز نفقه را به معنای غذا، لباس، مسکن گرفته و از عبارت آنها چنین برداشت می‌شود که برآوردن نیازمندی‌های زن از دیدگاه آنها محصورات نفقه نامیده می‌شود و برخی موارد مذکور را به طور متعارف با نیاز زن می‌دانند. (محقق‌حلی، ۱۴۰۹: ۳۱۹)



ب. در فرهنگ فارسی: نفقه به معنای آنچه انفاق و بخشش کند و نیز به معنای آنچه صرف هزینه عیال و اولاد کند، هزینه زندگی زن و فرزندان، روزی و مایحتاج معاش. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۵۷۷۲)

۱-۲-۲ نفقه در اصطلاح

الف. نفقه در اصطلاح شرع در طعام، لباس و مسکن کفایت می‌کند و در عرف فقها، صرفاً طعام اطلاق می‌گردد؛ لذا لباس و مسکن را به آن عطف می‌کنند. (زحیلی، ۱۳۷۸: ۷۶۵) از نظر فقها نفقه تأمین مخارج خانواده اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و سایر مخارجی که برای خانواده لازم است. (امامی، ۱۳۴۷: ۴۳۴)

ب. در قانون مدنی ایران: در قانون مدنی به پیروی از فقه امامیه در ماده ۱۱۰۷ نفقه زوجه را شامل: مسکن، البسه، غذا، هزینه‌های درمانی، اثاث منزل که به طور کلی متعارف و متناسب با وضعیت زن مناسب باشد و خادم در صورت عادت زوجه به داشتن خادم یا احتیاج به دلیل مرض یا نقصان یا مرض می‌داند.

۱-۲-۳ اسباب نفقه

اسباب نفقه در اسلام سه چیز است: ۱- زوجیت ۲- قرابت ۳- مالکیت ۱- زوجیت: نفقه زن در ازدواج دائم واجب است به شرط آنکه نسبت به شوهر در هر زمان و مکان که کامجویی رواست به طور کامل تمکین کند. (شهید ثانی، ۱۳۸۰: ۳۴۷)

۲- قرابت: دادن نفقه بر والدین هر قدر بالا رود و فرزندان هر قدر پایین روند واجب و بر سایر خویشاوندان مستحب است و تنها پرداخت نفقه کسی واجب است که توان اشتغال ندارد.

۳- مالکیت: مانند پرداخت نفقه و مخارج حیوانات شهید ثانی در این باره می‌فرماید: «نفقه چارپا بر صاحب آن واجب است. مگر اینکه حیوان از طریق چریدن تأمین شود و در صورت امتناع، به حکم حاکم به انفاق یا فروش یا ذبح آن در صورتی که برای ذبح نگهداری شده باشد، ملزم می‌گردد.» (شهید ثانی، ۱۳۸۰: ۳۴۹)

مطابق با ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است. این مزیتی است که قانونگذار ایران برای زن قائل شده است. فلسفه این قاعده این است که در اکثر خانواده‌های ایرانی زنان اموال و درآمد کافی برای تأمین مخارج خود و شرکت در هزینه خانواده را ندارند و انگهی اداره خانه و امور داخلی خانواده که وظیفه‌ای بس بزرگ است به عهده آنهاست و زنان به کار اقتصادی دیگری که منبع درآمدی برای آنان باشد، اشتغال نمی‌ورزند. (صفایی و امامی، ۱۳۸۸: ۱۳۵)

۱-۲-۴ میزان و مقدار نفقه

الف. در نفقه اقارب: عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق. (ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی)

ب. در نفقه زوجه: میزان و مقدار نفقه زوجه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل، هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خدام در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض. (ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی) چنانکه ملاحظه می‌گردد در نفقه زن وضعیت و احتیاجات زن به طور متعارف ملاک عمل است نه وضعیت مرد. پس اگر زن از خانواده‌ای مرفه باشد مرد باید وسایل زندگی را متناسب با شأن و وضع اجتماعی و خانوادگی زن فراهم نماید.

بر این اساس برخی از علماء معتقدند: تهیه اثاث البیت (جهیزیه) از مصادیق نفقه شمرده شده و بر عهده مردان نهاده شده است. همچنان که طبق روایات وارده بهای جهیزیه حضرت زهرا (س) از فروش زره حضرت علی (ع) تأمین گردید. (جزایری، ۱۳۸۱: ۷۱۷)

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «نفقه شرعاً اندازه‌ای ندارد؛ بلکه قاعده این است که به آنچه زن احتیاج به آن دارد از قبیل غذا و خورش، پوشش، فرش، پرده، سکونت دادن و خادم داشتن و وسایلی که بر آشامیدن و پختن و نظافتش و غیر اینها به آنها نیاز دارد، قیام نماید.» ایشان در بیان مقدار و جنس غذا و خورش نیز می‌فرماید: «مناسب مزاجش و در شهرش متعارف باشد و آنچه که عادتش است، رعایتش لازم است.» در سایر موارد نیز تأکید بر عادت و استحقاق زن دارند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۵۶۱)

استاد شهید مرتضی مطهری معتقدند: «ملاک نفقه‌ای که مرد در مورد زن صرف می‌کند نه مالکیت و مملوکیت است نه حق طبیعی و نه عاجز بودن و ناتوان بودن و فقیر بودن زن، زن فرضاً میلیونر و دارای درآمد سرشاری باشد و مرد ثروت و درآمد کمی داشته باشد باز هم مرد باید بودجه خانوادگی و از آن جمله بودجه شخصی زن را تأمین کند.» (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۰۵-۲۰۶)

۱-۲-۵ ماهیت حق زن بر نفقه

مقصود از ماهیت حق زن بر نفقه (شهید ثانی: ۵۵۸) این است که آیا زن مالک نفقه خود و تصرفاتش مالکانه است یا فقط اذن انتفاع به زن داده می‌شود؟ برخی از صاحب نظران حقوقی معتقدند برای تشخیص طبیعت حق زن بر نفقه باید به اراده شوهر و عرف و عادت رجوع کرد. بدین ترتیب که در اموال مانند: خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها، عطر و صابون با توجه به اراده شوهر و عرف و عادت

و عقیده فقهای امامیه زن مالک و مجاز به هرگونه تصرف در آن می‌باشد، اما در خصوص اموالی که با انتفاع از آنها عین نابود نمی‌شود، مانند: مسکن، اثاث خانه اذن انتفاع به زن داده می‌شود و در مورد لباس، کفش و امثالهم برخی از علماء اذن انتفاع و برخی بنا با رجوع به عرف و عادت، مالکیت زن مجاز می‌دانند، مگر اینکه شوهر صراحتاً عدم تملیک را اعلام نماید. (صفایی و امامی، ۱۳۸۸: ۱۳۷) برخی نیز برآنند که زن حق استفاده غیرمتعارف از آنچه که به عنوان نفقه به او داده شده را ندارد. (مهرپور، ۱۳۳۸: ۴۳)

همچنین این مطلب را باید متذکر شد که دادن نفقه به زن نه تنها عامل استثمار زنان توسط مردان نمی‌باشد؛ بلکه هیچگونه حقی برای مرد جهت تسلط اقتصادی و بهره‌برداری از نیروی کار زن ایجاد نمی‌کند و همین مسئله رمز جدایی نفقه در نظام اسلامی و نفقه در نظام‌های غیراسلامی است. (فهیمی، ۱۳۸۷: ۱۱۲) همچنان که شهید مطهری نیاز واجب النفقه بودن زن را موجب استحکام و استواری پیوند خانوادگی و نزدیکی بیشتر زن و مرد می‌داند. (مطهری، ۱۳۸۰)

۱-۲-۶ دلایل وجوب نفقه

مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌فرمایند: «دو چیز مانع ظلم و تعدی مردان است: ۱- ملاحظه خدا، قانون و ایمان ۲- خود زن که حقوق انسانی و الهی خود را بشناسد و از آنها دفاع کند و خود را به معنای حقیقی کلمه بطلبد. حد اسلام یک حد میانه و بدون تفریط است، خط صراط المستقیم است.» بر این اساس برای درک صحیح و شناخت بهتر و بیشتر مفهوم، جایگاه و فلسفه نفقه، شرایط لزوم و سقوط حق نفقه ابتدا از منظر آیات و روایات و سپس از منظر قوانین ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. دلایل وجوب نفقه از منظر آیات و روایات

۱-۲ آیات

از جمله آیات مربوط به حق دریافت نفقه زنان می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد. «و علی المورد له رزقهن و کسوتهن بالمعروف لا تکلف نفس الا وسعها» (بقره، ۲۳۳) و خوراک و پوشاک آنان (مادران) را به طور شایسته بر عهده پدر است، هیچکس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود. «الرجال القوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم....» (نساء، ۳۴)

مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند.

۲-۲ روایات

- حق زن: از امام صادق (ع) پرسیدند: حق زن بر مرد چیست؟ فرمودند: «او را سیر کند و بدنش را بپوشاند و دانی کند و او را ببخشد.» (کلینی: ۵۱۰)

- تکلیف مردان: امام رضا (ع) در تفسیر آیه ۳ سوره طلاق می‌فرمایند: «فامسک بمعروف او تسریح باحسان» یعنی نگهداری خوب و اذیت نکردن و دادن نفقه است، اما به نیکی رها کردن، طلاق بر اساس آنچه خداوند در کتاب نازل کرده است. (کلینی: ۵۱۲) و در ادامه می‌فرمایند: «خداوند هیچکس را تکلیف مالایطاق نمی‌کند. دادن نفقه یکی از تکالیفی است که خداوند به اندازه قدرت مکلف تکلیف خواسته است.»

- سفارش مؤکد پیامبر (ص): پیامبر اسلام (ص) در خطبه حجه الوداع فرمودند: «فعلیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف» بر شما باد خوراک و پوشاک زنانان را به نیکی و شایستگی ادا کنید. (حر عاملی: ۲۳۰)



- ضایع کننده حق نفقه ملعون درگاه الهی: امام صادق (ع) فرمودند: «ملعون ملعون من ضیع من یعول» مورد لعن و نفرین است، کسی که حقوق خانواده و عائله خویش را ضایع کند، هزینه زندگی زنان را تأمین نکند. (حرعاملی: ۲۵۱)

۳. دلایل وجوب نفقه از نظر فقها

- حق مالی: یکی از حقوق مالی زنان پس از عقد نکاح حق دریافت نفقه می‌باشد، لذا بر زوج واجب هست حتی در صورت فقر یا تمکن و بی‌نیازی مسلمان یا غیرمسلمان بودن زوجه نفقه پرداخت شود. (ابوالعین: ۲۳۳) همچنین در صورت انحلال نکاح (طلاق رجعی) نفقه زن به عهده مرد می‌باشد، به طوری که پرداخت آن وجوب تکلیفی است. (المغنیه، ۲۸۱)

- حق ذمی: شهید ثانی در خصوص پرداخت نفقه زن می‌فرماید: «نفقه‌هایی که به زن پرداخت نشده بر ذمه شوهر است و باید ادا شود، زیرا نفقه حقی مالی است که در قبال کامجویی از زن قرار دارد و مانند عوضی است که وجود آن در معاوضه لازم است.» (شهید ثانی، ۱۳۸۰: ۳۴۷)

از سویی زحمات طاقت‌فرسای زنان در تولید، پرورش و تربیت نسلی کریم، تحمل دوران بارداری، زایمان و شیردهی، رنج و سختی ایام ماهانه، انجام کارهای منزل و ... که همگی موجب تحلیل جسمی و تضعیف روان زنان می‌گردد. به علاوه ملاحظه توان و ظرفیت جسمی و روحی زنان در مقایسه با مردان موجب گردیده تا به وضع احکام جامع و دستورات کامل از حقوق زنان حمایت کند.

- نتیجه ریاست مردان: قرآن کریم پس از آنکه مردان را به معاشرت معروف با زنان امر می‌کند. (نساء، ۱۹) مردان را با لفظ قوامون یاد می‌کند. (نساء، ۳۴) و وظیفه سنگین مدیریت و مسئولیت خانواده را به دوش مردان قرار می‌دهد و آنان را ملزم

و متعهد به تأمین مخارج و نیازهای زن و فرزندان می‌نماید. به عبارت دیگر یکی از نتایج ریاست مردان پرداخت نفقه به زن و فرزندان می‌باشد.

فرض سپردن ریاست و تأمین نفقه خلاف مصلحت روح لطیف زن و خلاف توازن حق و تکلیف است. معقول نیست هزینه خانواده را مرد تأمین نماید، ولی اختیار و اراده به دست دیگری باشد. (حسینی کوهساری، ۱۳۸۲: ۲۰۰-۱۹۹) استاد شهید مطهری در این خصوص می‌فرماید: «منظور از حکومت و ریاست در آیه مذکور ریاست و حکومت عادلانه است، نه حق تحکیمات ظالمانه که بنا بر فضیلت‌ها و مزایا و به مقتضی سرنوشت مرد به او واگذار شده باشد.» استاد مطهری همچنین به فلسفه دوم حکومت عادلانه مرد در خانواده اشاره کرده و می‌فرماید: «از نظر اسلام ازدواج هم حق است و هم مسئولیت اگر ازدواج را به عنوان یک شرکت سهامی در نظر بگیریم، مرد سهام بیشتری در اینجا سرمایه‌گذاری کرده است. درست است که زن و مرد هر دو سرمایه‌گذاری جسمی و روحی به طور مساوی سهیم هستند، ولی مرد از نظر مالی هم سرمایه‌گذاری کرده است، پس حق اداره این خانواده با مرد است.» (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۴) از سویی اسلام مرد را به صورت خریدار و زن را به صورت صاحب کالا می‌شناسد. از نظر اسلام در وصال و زندگی مشترک زن و مرد این مرد است که باید خود را به عنوان بهره‌گیر بشناسد و هزینه این کار را تحمل کند. به علاوه گرایش زنان به تجمل و زینت و خودآرایی، تنوع‌طلبی و نیز حفظ جمال، نشاط و غرور زنان مستلزم آسایش بیشتر و تلاش کمتر و فراغ خاطر زیادتری است. مرد نیاز روحی خود به زن را دریافته است که هر اندازه موجبات آسایش و فراغ خاطر همسر خود را فراهم کند، غیرمستقیم به سعادت خود خدمت کرده است. (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۰۸)

۳-۱ اجماع

اصل وجوب نفقه مسئله‌ای اجماعی است که همه فقهای امامیه بر آن اتفاق نظر دارند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۹: ۳۱) این سه دلیل (کتاب، سنت، اجماع) مورد استدلال فقهای امامیه و عامه است و فقهای عامه دو دلیل دیگر عقل و قیاس را به این ادله افزوده‌اند. (ابوزهره، ۱۲۹۵: ۲۷۹)

۴. دلایل وجوب نفقه از منظر حقوق ایران

قانون مدنی ایران که در سه دوره قانونگذاری، تشریح و پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصلاحاتی در آن صورت گرفته است، از فقه پویای تشیع و اصول اسلامی می‌باشد؛ لذا ملاحظه می‌گردد اهمیت دستیابی زنان به حقوق مسلم خود به ویژه حق دریافت نفقه همواره مورد توجه قانونگذار بوده است. بر این اساس برخی از دلایل وجوب نفقه در قانون داخلی ایران عبارتند از:

- **تکلیف قانونی زوج:** ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی بیان می‌دارد: «همین که نکاح به طور صحت واقع شد. روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.»

- **اثر عقد نکاح:** یکی از آثار عقد نکاح پرداخت نفقه زوج به زوجه می‌باشد. همچنان که ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی در این خصوص اظهار می‌دارد: «در عقد دائم، نفقه زن به عهده شوهر است.»

- **حق قرابت نسبی و عمودی:** چنانکه ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی اظهار می‌دارد: «روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند.» در این ماده دو مورد دیگر برای وجوب نفقه مقرر شده یکی قرابت نسبی (در قرابت نسبی و رضاعی نفقه مصداق پیدا نمی‌کند.) و

دیگر اینکه این قرابت نسبی در خط عمودی باشد و قرابت نسبی در خط افقی به اصطلاح در اطراف سبب وجوب نفقه نمی‌گردد. (نجفی، ۱۳۷۴)

- نتیجه ریاست زوج: ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی نیز بیان می‌دارد: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است، لذا به موجب همین ریاست زوج موظف به تأمین و پرداخت نفقه زن و فرزندان می‌باشد.»

بدیهی است در صورتی که مردان فاقد دو علت توانایی عقلانی و جسمانی باشند. فاقد صلاحیت عقلانی ریاست هستند و اگر جهل قوامیت مردان به گونه‌ای باشد که به ظلم منتهی شود به طور قطع و یقین مطلوب قانونگذار نمی‌باشد. (خاموشی، ۱۳۸۸: ۱۸۰) همچنان که اصل ۴۰ قانون اساسی بیان می‌دارد: «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.»

حال اگر مردی فاقد صلاحیت و اهلیت مالی و عقلایی لازم برای ریاست و سرپرستی باشد، زن واجد شرایط عهده‌داری خانواده است. منتهی تشخیص این فقدان صلاحیت در حیطه کار داوران است. (خاموشی، ۱۳۸۸: ۲۵۹-۲۶۱) اینکه چرا از ابتدا عرف مسئولیت ریاست را به مردان واگذار کرد و شارع مقدس نیز این عرف اجتماعی را مورد تأیید قرار داد به این علت است که عرف حاکم و رسم شارع مقدس در وضع قوانین و احکام ناظر بر موارد غالب است. غالباً و نوعاً اینگونه است که مردان چه از نظر قوای جسمانی و چه از نظر احاطه بر امور اجتماعی نوعاً صلاحیت بیشتری برای عهده‌دار شدن این مسئولیت دارند. (کاتوزیان: ۲۲۴) و موارد جزئی و استثناء را باید از ادله دیگر استنباط کرد.

- **وظیفه دولت اسلامی:** قانون اساسی ج.ا.ا ضمن تأکید بر حمایت قانونی (اصل ۲۰) و تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد (بند ۱۴ اصل ۳) در اصل

۲۱ قانون اساسی بیان می‌دارد: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او ۲- حمایت مادران، به خصوص فرزند و ... همچنان که در مقدمه قانون اساسی نیز ضمن اشاره به ستم بیشتر زنان از نظام طاغوتی استیفای حقوقی بیشتری برای زنان در نظر گرفته است.»

- تکلیف یکجانبه زوج: در حقوق ایران زن هیچگاه مکلف به دادن نفقه به شوهر خود نیست. در حالی که نفقه اقارب یک تکلیف متقابل است. (صفایی و امامی، ۱۳۸۸: ۱۳۸) به علاوه این مزیتی است که قانونگذار ایران برای زنان قائل شده است. به طوری که طبق قوانین سایر کشورها زن هیچگاه مکلف به دادن نفقه به شوهر خود نیست. طبق ماده ۱۴۴ قانون مدنی ترکیه چنانچه هریک از زن و مرد به سبب وقوع طلاق متحمل فقر و تنگدستی شود و در وقوع آن قصور سنگینی نداشته باشد، زن می‌تواند از همسر به مقدار وسیع مرد به طور دائم درخواست نفقه کند، اما مرد در صورتی می‌تواند تقاضای نفقه کند که او مرفه باشد. (فقیه، ۱۳۹۲: ۲۱۳)

- شرط اجرا و ثبت صیغه طلاق: مستند به تبصره ۳ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ اجرای صیغه طلاق و ثبت آن موکول به تأدیه حقوق شرعی و قانونی زوجه (اعم از مهریه و نفقه و ...) به صورت نقدی می‌باشد. مگر در طلاق خلع و مبارات (در حد آنچه بذل شده) و یا رضایت زوجه و یا صدور حکم قطعی اعسار شوهر از پرداخت حقوق فوق الذکر.

۵. موارد سقوط نفقه

بیشتر گفتیم زوجه پس از عقد نکاح مستحق دریافت نفقه می‌گردد، اما در موارد ذیل این حق زایل می‌گردد:

- **عقد موقت:** در ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی آمده است، در عقد موقت زوجه مستحق دریافت نفقه نمی‌باشد، مگر اینکه پرداخت شرط شده باشد یا اینکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «زن منقطع نفقه ندارد و باید از شوهر اطاعت کند در آن چیزی که اطاعتش از شوهر واجب است.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۵۵۹) هر چند فقهای اهل سنت عقد موقت را باطل می‌دانند.

- **عدم تمکین زوجه از زوج (نشوز):** چنانچه زوجه در روابط زناشویی بدون دلیل شرعی یا علت موجه از زوج تمکین ننماید. (علامه حلی، ج ۲: ۲۶۶) و یا بدون اذن و اطلاع زوج از منزل خارج گردد، مستحق نفقه نخواهد بود. البته انجام اعمال عبادی واجب مانند: اقامه نماز واجب به ویژه در مواردی که وقت تنگ است یا انجام اعمال عبادی واجب مانند: حج و روزه واجب مستثنی می‌باشند. (امامی، ۱۳۴۷: ۴۵۴) همچنان که امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اگر جهت عذر شرعی یا عقلی از حیض یا احرام یا اعتکاف واجب یا مرض یا غیر اینها نتواند شوهر خود را تمکین نماید، نفقه‌اش ساقط نمی‌شود.» همچنین اگر زن به اذن شوهر مسافرت نماید ساقط نمی‌شود، چه در واجب باشد چه در مستحب یا مباح و همچنین اگر در واجب مضیقی مانند حج واجب بدون اذن؛ بلکه با منع و نهی او هم سفر نماید، پس نفقه‌اش نمی‌شود. (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۵۵۹)

در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی نیز آمده: «هرگاه زن بدون مانع شرعی از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود. لازم به ذکر است قانونگذار



ضمن اشاره به موانع مشروع (مواد ۱۱۱۴ و ۱۱۱۵ قانون مدنی) و وجود خوف و ترس زوجه از ضرر بدنی، مالی یا شرافتی را مانع مشروع برای عدم حضور در منزل شوهر قلمداد کرده و تا زمان بقای این موارد، نفقه زن به عهده شوهر می‌باشد.»

۶. انحلال نکاح

۶-۱ طلاق

اگر طلاق از نوع طلاق بائن باشد، زن حق دریافت نفقه ندارد، مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل نفقه خواهد داشت. (ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی) همچنان که امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «صاحب عده بائن نفقه و سکناش ساقط می‌شود. چه از طلاق باشد یا فسخ مگر اینکه از طلاق بوده و حامله باشد، زیرا این زن هر دو را استحقاق دارد تا اینکه وضع حمل نماید.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۵۶۱)

همچنین یکی از حمایت‌های حقوقی قانونگذار در نظر رفتن نفقه ایام عده می‌باشد. به طوری که در بند یک ماده ۱۹ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ آمده است. چنانچه طلاق به دلیل نشوز زن نباشد، دادگاه پس از صدور حکم گواهی عدم سازش نفقه ایام عده را تعیین می‌کند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است و غیرقابل تجدید نظر خواهی می‌باشد. همچنین طبق ماده ۲۰ قانون مذکور طرفین دعوی یا هریک از آنها می‌توانند، تقاضا کنند قبل از ورود به ماهیت دعوی مسئله حضانت و هزینه نگهداری اطفال یا نفقه زن را مورد رسیدگی فوری قرار دهد و قراری در این باره صادر کند. دستور موقت دادگاه فوراً به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

۲-۶ فسخ نکاح

اگر فسخ نکاح به دلایل عیوب ذیل واقع گردد، به شرط عدم علم، زن مستحق نفقه نخواهد بود:

- خضاء در مردان

- عنن در مردان چه قبل چه بعد از عقد به شرط اینکه ولو یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد.

- مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد.

- قرن، جذام، برص، افضاء، زمین‌گیری، نابینایی از هر دو چشم در زنان

- جنون هر یک از زوجین به شرط استقرار اعم از اینکه مستمر یا ادواری باشد. برای طرف مقابل موجب حق فسخ است. (ماده ۱۱۲۱ قانون مدنی)

۳-۶ فوت زوج

در ایام عده وفات مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است. (در صورت عدم پرداخت) تأمین می‌گردد. (ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی) با این حال امام خمینی (ره) معتقدند: «زنی که حامله است و شوهرش فوت کرده در مدت حامله بودن او نفقه‌ای برایش نیست نه از ترکه شوهرش و نه از سهم فرزندش بنا بر اقوی.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۵۶۱)

۴-۶ صغیر بودن زوجه

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «ظاهر آن است که زوجه صغیره‌ای که قابل تمتع بردن شوهرش از او نیست، نفقه ندارد. خصوصاً اگر کوچک باشد به طوری که تلذذ نباشد.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۵۵۹)

۶-۵ زوجہ بیمار

فقه‌های امامیه معتقدند که نفقه زوجہ بیمار ساقط نمی‌شود. صاحب جواهر می‌گوید: «در این مورد عقیده مخالفی مشاهده نکردم.» (حلی، ۱۳۸۹: ۳۱۲) به علاوه شوهر می‌تواند با استمناات دیگری از همسرش بهره ببرد، لذا زن بیمار همچنان مستحق نفقه خواهد بود. (پیلوا، ۱۳۸۷: ۱۴۴) چرا که در روزگار بیماری که زن نیاز به مراقبت و محبت بیشتری دارد نه تنها از نفقه محروم نشود، بلکه مرد توجه بیشتری به وی کند. (خوئی، ۱۴۱۰: ۲۱۳)

۶-۶ ارتداد

چنانچه پس از ازدواج، زن مسلمان مرتد شود. اگر قبل از دخول و نزدیکی شوهر باشد، علاوه بر فسخ نکاح، نفقه زن نیز ساقط می‌شود. چنانچه زوج قبل از دخول مرتد شود، باید نصف مهریه او را بپردازد، ولی در هر حال نکاح به محض ارتداد زوجہ یا زوج منفسخ می‌شود. (نجفی، ۱۳۷۴: ۱۱۲-۱۱۳) امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «اگر زن مرتد شود، نفقه ساقط می‌شود و اگر در عده برگردد نفقه برمی‌گردد.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۵۵۹)

۶-۷ طلاق به دلیل نشوز

زن مستنداً به ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی چنانچه طلاق به دلیل نشوز زن واقع شده باشد، زن حق دریافت نفقه ندارد.

۷. احکام نفقه زوجہ

- حق تقدم نفقه زوجہ بر نفقه اقارب: در صورت بودن زوجہ و یک یا چند نفر واجب‌النفقه دیگر، زوجہ مقدم بر سایرین خواهد بود. (ماده ۱۲۰۳ قانون مدنی)

- حق تقدم نفقه زوجه بر ديگر ديون زوج: طلب زن از بابت نفقه، طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس يا ورشكستگي شوهر زن مقدم بر غرما خواهد بود. (ماده ۱۲۰۶ قانون مدني)

- تبديل نفقه گذشته زوجه به دين: زوجه در هر حال مي تواند براي نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوي كند. (ماده ۱۲۰۶ قانون مدني)

۸. ضمانت‌های اجرائی نفقه

۸-۱ ضمانت كيفري

ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامي مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ بيان مي دارد: «هر كس با داشتن استطاعت مالي، نفقه زن خود را در صورت تمكين ندهد يا از تاديه نفقه ساير اشخاص واجب‌النفقه امتناع نمايد، دادگاه او را سه ماه و يك روز تا پنج ماه حبس محكوم مي نمايد.»

۸-۲ ضمانت مدني (حقوقی)

- مستنداً به ماده ۱۱۱۱ قانون مدني زن مي تواند در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه به محكمه رجوع كند. در اين صورت محكمه ميزان نفقه را معين و شوهر را به دادن آن محكوم خواهد كرد. همچنين طبق ماده ۱۱۲۹ قانون مدني در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امكان اجرائي حكم محكمه و الزام او به دادن نفقه زن مي تواند براي طلاق به حاكم رجوع كند و حاكم شوهر او را اجبار به طلاق مي نمايد. همچنين در صورت عجز شوهر از دادن نفقه، ماده ۱۲۰۵ قانون مدني اظهار مي دارد: «در موارد غيبت يا استتکاف از پرداخت نفقه چنانچه الزام كسي كه پرداخت نفقه بر عهده اوست ممكن نباشد، دادگاه مي تواند با مطالبه افراد واجب‌النفقه به مقدار نفقه از اموال غايب يا مستتکف در اختيار

آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می‌تواند نفقه را به عنوان قرض بپردازد و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نمایند.»

- مستنداً به ماده ۱۲۰۶ مدنی زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر زن مقدم بر غرما خواهد بود، ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند، مطالبه نفقه نمایند.

- طبق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی: «طرفین عقد می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند. مثل اینکه شرط شود، شوهر ترک انفاق کند زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد.»

۳-۸ دادرسی اختصاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به منظور تسریع در رسیدگی و حذف تشریفات در دعاوی خانوادگی مطابق با ماده ۱۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده یک قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ مطالبه نفقه زوجه و اقارب مشمول قواعد دادرسی اختصاری است. دادگاه پس از رسیدگی و احراز شرایط استحقاق منفق مقدار نفقه را تعیین و زوج را محکوم به پرداخت می‌نماید. لازم به ذکر است حکم دادگاه در خصوص نفقه آینده اقارب می‌باشد و شامل نفقه گذشته نمی‌باشد.

۴-۸ حق دریافت نفقه از زوج بیمار

هر گاه بعد از عقد زوج مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد زن حق مطالبه

نفقه خواهد داشت. (ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی)

۸-۵ تقدم نفقه زن بر طلب بدون وثيقه

طبق ماده ۵۸ قانون تصفيه امور ورشکستگي مصوب ۱۳۱۸ و نیز ماده ۲۲۶ قانون امور حسبي مصوب ۱۳۱۹ در مورد بستانکاران متوفی، قانونگذار برای حمایت بیشتر از حقوق زن، طلب‌های بدون وثيقه از تاجر ورشکسته را به پنج طبقه تقسیم کرده و نفقه زن را در طبقه چهارم قرار داده است. همچنین مستنداً به تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ پرداخت نفقه قانونی زوجه و اولاد بر سایرین مقدم است.

۸-۶ تقدم نفقه زنان بر طلب دولت

برخی حقوقدانان با استناد به قانون حمایت از خانواده و عموم تبصره ۲ ماده ۱۲ این قانون اظهار می‌دارند، نفقه زوجه حتی بر طلب دولت بابت مالیات و طلب سازمان تأمین اجتماعی مقدم خواهد بود. (صفایی و امامی، ۱۳۸۸: ۱۴۰-۱۴۱)

۹. نفقه در کنوانسیون رفع تبعیض از زنان

نفقه در کنوانسیون رفع تبعیض از زنان هیچ تصریحی ندارد، اما با ملاحظه و بررسی مواد آن می‌توان به خوبی دریافت با توجه به هدف کنوانسیون در خصوص تساوی زن و مرد در همه شئون و همچنین دیدگاه غرب، نفقه موجب وابستگی اقتصادی زن به مرد یا زمینه‌ساز عدم استقلال مالی زنان است که این امر با روح کنوانسیون رفع تبعیض از زنان سازگار نمی‌باشد؛ چراکه این وابستگی مالی از مصادیق تبعیض به شمار می‌رود. جگرایسون می‌گوید: «نظریه تساوی و برابری مردان و زنان بر یکی از این دو پایه استوار است: ۱- زنان و مردان هیچ تفاوت زیستی و بیولوژیک ندارند؛ بلکه جبر زمانه سبب ستم مردان به زنان در طول تاریخ شده است. ۲- تفاوت زیستی و طبیعی موجود است، اما سبب تفاوت

در حقوق و قوانین نیست و تفاوت زیستی نباید سبب تشریح و تضمین نابرابری شود.» (آلسون، ش ۲۱: ۲۹)

اشکالات بسیاری از سوی صاحب نظران بر کنوانسیون وارد شده است. برخی نفی ماهیت وجودی زن و ورود موج های فمینیستی در کنوانسیون را از اشکالات اساسی می دانند. برخی نیز معتقدند: «کنوانسیون در تفسیر عبارت هایی مانند: تبعیض، تساوی حقوق زن و تشخیص مصادیق آنها با یکدیگر تعارض جدی و اساسی دارد.» (مهرپور، ۱۳۷۴: ۲۶۹) که البته این جدای از اختلاف در سند و مبانی است. (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۱۴)

۱۰. آثار سقوط حق نفقه

۱۰-۱ عدم مسئولیت مردان

عدم مسئولیت مردان در پرداخت نفقه زن و فرزندان نه تنها به صلاح زن و فرزندان نمی باشد؛ بلکه موجب سقوط بنیان خانواده می گردد؛ چراکه در چنین وضعیتی نه تنها هیچ التزام قانونی مبنی بر تکلیف مردان به تأمین نفقه وجود ندارد، بلکه با دستاویز قرار دادن اینکه زنان نیز ملزم به تأمین مخارج زندگی و نفقه خود و فرزندان مشترک می باشند، عملاً هیچگونه احساس مسئولیتی نمی کنند؛ لذا شایسته بود تدوین کنندگان قوانین و اسناد بین المللی به ویژه کنوانسیون رفع تبعیض از زنان به جای اینکه اجبار عرفی و الزامات قانونی را از مردان بردارند و عملاً راه فرار از بار مسئولیت را برای مردان بی تعهد هموار سازند، در صدد ارائه راهکارهای اجرایی برای تشویق یا تحکیم الزامات قانونی باشند تا حتی الامکان از فشار مالی و تضییع حقوق زنان کاسته گردد.

۱۰-۲ ظلم به زنان به نام برابری

در ماده ۲ کنوانسیون آمده است: «هدف کلی کنوانسیون دستیابی به برابری کامل میان زن و مرد است به منظور دستیابی به این هدف کلیه اشکال تبعیض با هر مبنای تاریخی و مذهبی باید از بین برود.» منظور از تبعیض هرگونه محدودیتی است که بر اساس تمایز جنسی ایجاد شده است و این به معنی نادیده‌انگاری تفاوت‌ها، ظرفیت‌ها و استعدادهای زنان و پذیرفتن نظریه تساوی و برابری با مردان در همه شئون است که خود ظلمی بر زنان است؛ چراکه نادیده گرفتن تفاوت‌ها و اصرار بر تساوی جمیع جهات مستلزم نادیده گرفتن عواطف و روحیات، نفی ماهیت وجودی زن شده، موجب تحمیل مشاغل شاق و طاقت‌فرسا و در مواردی خارج از شأن زنانگی و آسیب به روح لطیف و جسم ظریف زن می‌گردد.

۱۰-۳ تعرض به نهاد مقدس خانواده

نهاد خانواده به عنوان زیربنایی‌ترین نهاد اجتماعی نقش بسزایی در انسان‌سازی، انتقال ارزش‌ها و سنت‌ها دارد. به علاوه رشد و سعادت جامعه وابسته به استواری و سلامت خانواده و وظیفه‌شناسی زن و مرد است. حال اگر هر یک از زن و مرد به وظایف و تکالیف خود عمل ننمایند نه تنها بنیان خانواده متزلزل می‌گردد، بلکه از کارکردهای تربیتی و ارزشی خانواده خبری نخواهد بود.

۱۰-۴ کم رنگ کردن نقش مادری و همسری

کنوانسیون از سویی وظیفه مطلق تأمین معاش و نفقه فرزندان که قبلاً به عهده مردان بود، به عهده زنان نیز گذاشته و از سوی دیگر با نادیده گرفتن وظیفه مهم مادری و انتقال آن به متابه شغل و تبدیل همسر به همسفره لطمات جبران‌ناپذیری بر عواطف احساسات و روحیات زنان وارد می‌کند. به طوری که

ملاحظه می‌گردد توصیه کمیته رفع تبعیض از زنان به برخی از کشورها در تهاجم به نهاد مقدس خانواده و نقش محوری مادران به گونه‌ای است که کمیته بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۸ به بلاروس اعلام کرده است: «سازمان ملل نسبت به ادامه رواج کلیشه‌های مرتبط با نقش جنسیتی در قالب نمادهایی همچون روز مادر و جایزه مادر که از نظر سازمان ملل تشویق نقش‌های سنتی زنان می‌باشد، نگران است.»

۱۰-۵ تضييع حقوق کودکان

از منظر کنوانسیون زن و مرد به دلیل تساوی در حقوق و مسئولیت‌ها هر دو موظف به تأمین و پرداخت نفقه و مخارج کودکان می‌باشند؛ لذا زنان علاوه بر تأمین هزینه و مخارج زندگی شخصی خود، ملزم به تأمین مخارج فرزندان می‌باشند و از این حیث حق هیچ اعتراضی را ندارند. با این اوضاع و احوال دیگر نه توان و رمقی برای زن و نه حوصله و مجالی برای کودکان باقی نمی‌ماند. حال تصور کنید در چنین خانواده‌ای وضعیت کودکان چگونه است؟ در حالی که طبق فقه اسلامی و قوانین ایران نه تنها از حیث تکالیف مالی بین زن و مرد هیچ تساوی وجود ندارد؛ بلکه تأمین مخارج زندگی و نفقه زن و فرزندان صرفاً بر دوش مردان می‌باشد تا زنان با آرامش و امنیت خاطر به تربیت و پرورش پرداخته پاسخگوی نیازهای کودکان باشند. در حالی که کنوانسیون با کم رنگ کردن نقش مادر در تربیت و پرورش کودکان فرض دانستن اشتغال زنان همچنین پذیرش سقط جنین به نام سقط قانونی و بی‌خطر، تأکید بر تجدید نظر قوانین جزایی در این خصوص و آزاد کردن استفاده از قرص Ru^{۴۸۶} حقوق کودکان را تهدید می‌نماید.

۶-۱۰ بیکاری مردان

نماینده کشور کانادا در کنفرانس جهانی حقوق زن در بخشی از سخنان اعتراض آمیز خود نسبت به سند پکن اظهار می‌دارد: «من طرفدار زندگی و طرفدار خانواده هستم. من به شما می‌گویم که سند کنفرانس مشکلات زنان را در نظر نگرفته است. تساوی مورد نظر سند پکن برای زنان ایجاد تساوی نخواهد کرد در کشور من وقتی گروهی را به کار دعوت می‌کنند باید ۵۰٪ مرد و ۵۰٪ زن استخدام شود، اما وقتی بیش از ۵۰٪ از زنان استخدام شوند، مردان بیکار می‌مانند. این در حالی است من هم باید در خانه کار کنم و هم بیرون از خانه و همسرم بیکار باشد، پس این تساوی نیست. (ماهنامه صبح ش ۷۳)

۷-۱۰ الزام به اشتغال

از منظر کنوانسیون دریافت نفقه نشانه وابستگی زنان به مردان و از موارد تبعیض به شمار می‌رود. درحالی که دین اسلام ضمن پذیرش حضور اقتصادی زنان و تأکید بر مالکیت مطلق آنها نسبت به اموال و دارایی شخصی‌شان از پدر و شوهران آنها می‌خواهد تا تأمین مالی زنان را به عهده بگیرند. در واقع دین نخواستار زنان را از نظر اقتصادی وابسته و محتاج مردان کند؛ بلکه خواسته تأمین مخارج و هزینه‌های زندگی را به عهده مردان قرار دهد و تکلیف سنگین (کسب درآمد) را از دوش زنان بردارد. بر این اساس اشتغال زنان اختیاری است در حالی که طبق مواد کنوانسیون در راستای دستیابی به برابری و تساوی و نیز تأمین مخارج و نیازهای خود ملزم به اشتغال اجباری هستند.

از طرفی تدوین کنندگان کنوانسیون به این مهم توجه نکرده‌اند که آیا امکانات و شرایط به کارگیری زنان در تمامی کشورها یکسان است؟ آیا تمامی زنان قادر به جذب در بازار کار می‌باشند؟ آیا آن تعداد از زنان شاغل از جهت جسمی و روحی از توان و قدرت یکسان برای ادامه کار و اشتغال برخوردارند؟ آیا فرهنگ، عقاید، عرف رایج، شرایط و فشارهای اقتصادی و مشکلات موجود معیشتی در همه جوامع یکسان می‌باشد؟ بدیهی است محرومیت از حق مالی نفقه زنان نه تنها به صلاح و نفع زنان ما نیست؛ بلکه بر مشکلات و وظایف آنان می‌افزاید. بجاست زنان مسلمان با تعمق بیشتر نتایج الحاق به کنوانسیون را بررسی نمایند. به علاوه سؤالات دیگری که کنوانسیون برای آنها جواب جامع و مانعی نخواهد داشت موجب می‌شود تا زنان به ویژه مسئولان با بصیرت و تعمق بیشتری به اهداف و نتایج پیوستن به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان بیندیشند.

۱۰-۸ کاهش جمعیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

برخی معتقدند اشتغال زنان و ایجاد فرصت‌های برابر با مردان که در ماده ۱۱ کنوانسیون به آن اشاره شده است از سوی جمعیت‌شناسان و محققان اجتماعی از جمله عوامل اصلی کاهش میزان رشد جمعیت در کشورهای غربی می‌باشد. به طوری که طبق آمار واقعیت‌های موجود در طول این سال‌ها به همان میزان که بر شمار زنان شاغل اروپایی و آمریکایی افزوده شده میزان رشد جمعیت روندی نزولی و منفی یافته است. (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۶۴)

برخی معتقدند: عدم عضویت موجب عدم دفاع از کیان قوانین اسلامی و داخلی در قبال اعتراضات و قطعنامه‌های متعدد می‌گردد و شرکت فعال در عرصه‌های بین‌المللی که «تقوای ستیز» را تداعی می‌کند، ضمن تطهیر چهره

اسلامی از شبهات، می‌تواند نظام تازه‌ای از حقوق زن را به دنیا ارائه دهد. (قامت و دیگران، ۱۳۹۱) به علاوه برقراری ارتباطات جهانی در راستای توسعه اهداف نظام مقدس ج.ا.ا از اهداف عالی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

برخی از فقها نیز موافق الحاق شرط مشروط می‌باشند از جمله:

آیت‌الله امینی: عهدنامه را به طور مطاق نمی‌توان پذیرفت، مگر اینکه موارد خاص استثناء شود.

آیت‌الله زین‌العابدین قربانی: عهدنامه را با حق شرط می‌توان پذیرفت.

آیت‌الله معرفت: اصول و مواد عهدنامه قابل توافق است و صرفاً در فروع و جزئیات آن هم در موارد بسیار کمی اختلاف وجود دارد.

برخی نیز معتقدند: راهکار «گذاشتن شرط» به دلیل عدم تطابق با بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون که اساساً هرگونه حق شرط نسبت به کنوانسیون که با هدف و روح کلی کنوانسیون مخالف باشد، مورد پذیرش نخواهد بود. به علاوه از نظر علم اصول شرط خلاف مقتضای عقد، مفسد اصل عقد است و الحاق با چنین شرطی اساساً باطل است. (article ۲۸)

چنانکه آیت‌الله مکارم شیرازی در این خصوص می‌فرماید: «بی‌شک معاهده مخالف تعلیمات اسلام است و قیودی مانند تحفظ بر تعلیمات اسلامی و عدم مخالفت با شرع مشکلی را حل نمی‌کند؛ زیرا در این معاهده با صراحت گفته شده شروطی که مخالف روح این معاهده است، قابل قبول نیست و به این ترتیب پس از امضای آن فشارهایی از خارج برای حذف این شرط که مخالف روح معاهده است، وارد خواهد شد و ایدی داخلی نیز هر روز به بهانه‌ای بر آن دامن می‌زنند و مطالبات نامشروع خود را می‌طلبند. غربی‌ها به هر بهانه‌ای شده

می‌خواهند فرهنگ غیرمذهبی خود را بر ما تحمیل کنند دولت مردان ما باید بیدار باشند و ننگ تسلیم را نپذیرند.»

برخی از صاحب نظران برآنند: تدوین قوانین جامع و کامل اصلاح لایحه حمایت از خانواده، اصول و سیاست‌های نظام اسلامی درباره زن و خانواده، پاسخگویی دینی به شبهات زنان، تدوین منشور زن مسلمان از جمله اقدامات مشترک حوزه و دانشگاه و دست‌اندرکاران نظام ج.ا.ا می‌باشند. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۹)

بدیهی است امروزه زنان مسلمان ضمن اعتقاد و پایبندی به ارزش‌های ناب و اصیل اسلامی و درک مصلحت و هویت واقعی خود خواهان توجه بیشتر مسئولان و اقدامات مؤثر و جدی نظام ج.ا.ا جهت حفظ حقوق و رفع مشکلات و معضلات زنان می‌باشند، لذا بهره‌مندی از آراء، تجارب و موفقیت‌های سایر کشورها در حوزه زنان با تکیه بر شرع اسلام، فرهنگ اصیل ایرانی و توانمندی‌های داخلی، اهتمام و توجه ویژه به مسائل و مشکلات زنان، وضع یا اصلاح قوانین با توجه به نیاز و شرایط زمانه، نظارت جدی و مستمر بر اجرای صحیح قوانین و... از موارد حائز اهمیت می‌باشند.

نتیجه‌گیری

مطالعات انجام شده در خصوص حق دریافت نفقه زنان، حاکی از آن است در فقه اسلام و قوانین ایران به منظور حمایت‌های ویژه از حقوق زنان علاوه بر حقوق انسانی مشترک بین زن و مرد برخی حقوق ویژه برای زنان در نظر گرفته است. از جمله این حقوق، حق پرداخت نفقه به زنان است. پرداخت نفقه دختران به عنوان تکلیف بر عهده پدر و پس از ازدواج بر عهده همسران آنها می‌باشد. همچنین دین مبین اسلام در آیات و روایات متعدد مردان را ملزم به پرداخت نفقه و رعایت مقدار، حفظ حدود و شرایط آن نموده است و ادای آن را تکلیف یکطرفه و نتیجه ریاست مردان بر خانواده می‌داند. این در حالی است که زنان مالک نفقه و دارایی خود می‌باشند و هیچگونه تعهد یا تکلیفی نسبت به پرداخت هزینه و مخارج زندگی مشترک و فرزندان ندارند. از سویی قوانین داخلی که منبعث از آموزه‌های وحیانی و سیره نبوی است در جهت دستیابی زنان به حقوق مسلم‌شان می‌باشد، از جمله حقوق مالی مهم زنان حق دریافت نفقه می‌باشد. در مواد قانونی متعدد پس از تبیین مفهوم و میزان نفقه، تکلیف شمردن نفقه، ذکر شرایط وجوب (همچون: تمکین، زوجیت، ریاست مردان) و موارد سقوط (همچون: انحلال نکاح، عیوب زنان، فسخ نکاح، طلاق، جنون دائمی، ارتداد و...) پرداخت نفقه زنان را متقدم بر نفقه اقارب و دیون شخصی مرد دانسته و ضمانت‌های اجرایی (حقوقی و کیفری) مناسب تادیه نموده است. به علاوه اهمیت تأمین نفقه و هزینه‌های زندگی زنان تا حدی است که قانونگذار پرداخت نفقه زنان بی‌سرپرست را بر عهده دولت اسلامی می‌داند تا زنان با آرامش و امنیت خاطر با به‌کارگیری استعدادها، ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فرد

خود ضمن انجام تکالیف شرعی و قانونی خود و پرورش نسلی کریم و شریف موجبات سعادت و سلامت جامعه گردند.

این در حالی است که نفقه در کنوانسیون رفع تبعیض از زنان که در پاسخ به احقاق حقوق تزییع شده زنان و با شعار تساوی حقوق، وظایف و تکالیف زن و مرد تدوین گردید، جایگاهی ندارد؛ زیرا نفقه از مصادیق تبعیض و موجب وابستگی مالی یا زمینه‌ساز وابستگی زنان به مردان است، لذا نفقه با اصول کنوانسیون مغایرت دارد در حالی که حذف این حق مسلم زنان نه تنها کمکی به بهبود شرایط و استقلال مالی زنان نمی‌کند، بلکه به دلیل اشتغال اجباری زنان فروپاشی بنیان خانواده، تزییع حقوق کودکان و عدم مسئولیت مردان، تزییع حقوق فردی و سلب هویت، نقش مادری و همسری زنان و تبدیل به همسفره موجب ظلم آشکار به حقوق زنان است.

هر چند فقدان قوانین متناسب با نیاز زمانه، عدم اجرای صحیح قوانین موجود، نگرش سطحی به قوانین غربی، عدم توجه ویژه به حوزه زنان موجب گرایش برخی گردیده، مع ذلک تعمیق و بازنگری در فقه پویای تشیع و بررسی قوانین موجود جهت اصلاح یا تکمیل برخی قوانین تلاش و همفکری صاحب نظران حوزه و دانشگاه، مساعدت همگانی جهت ارتقاء نگرش‌ها و باورها، بهبود شرایط و رفع موانع و چالش‌های موجود در حوزه زنان لازم می‌نماید.

منابع

- ۱- ابن عابدین، محمد بن امین (۱۲۷۵) رد المختار علی در المختار، بیروت دارالطباعه العامره.
- ۲- ابوزهره، محمد (۱۳۹۵) محاضرات فی عقد الزواج وآثاره، قاهره، دارالفکر العربی.
- ۳- امامی، حسن (۱۳۷۱) حقوق مدنی، کتاب فروش اسلامی، تهران، ج ۴.
- ۴- امامی، اسدالله؛ صفایی، حسین (۱۳۸۸) مختصر حقوق خانواده، ج ۲۱، بنیاد حقوقی میزان.
- ۵- پیلوا، حجت (۱۳۸۷) جایگاه نفقه در فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان.
- ۶- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) جامعه شناسی خانواده، سروش، تهران.
- ۷- جزایری، نعمت الله بن عبدالله (۱۳۸۱) قصص الانبیاء، مترجم: فاطمه مشایخ (قصص قرآن ترجمه قصص الانبیاء جزایری)، تهران، انتشارات فرحان، ج ۱.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸) ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، ج ۴.
- ۹- حسینی، احمدرضا (۱۳۸۰) رفع تبعیض علیه زنان، مجله رواق شماره اول، تهران.
- ۱۰- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰) منهاج الصالحین، الطبعة الثانیه و العشرون مدینه العلم، قم، ج ۲.
- ۱۱- شبستری، محسن؛ فقیه، صدیقه السادات (۱۳۹۲) مقاله «امتیازات زن بر مرد در دین اسلام و حقوق ایران»، مجموعه مقالات همایش بین المللی فلسفه حقوق زن

در اسلام، انتشارات آیین محمود ۲۵ و ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۲ قم دانشگاه حضرت معصومه (س).

۱۲- شهید ثانی، (بی تا) مسالک الافهام، ج ۱، چاپ سنگی.

۱۳- شهید ثانی العاملی الشامی، زین الدین بن علی بن احمد (۱۳۸۰) تحریر الروضه فی شرح اللمعه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و مؤسسه فرهنگی طه، چ ۴.

۱۴- صابری مقدم، پرتو؛ قامت، جعفر (۱۳۹۱) الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، فرصتها و تهدیدها، دوره ۵، ش ۱۸.

۱۵- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۶) المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران ج ۴.

۱۶- طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن (۱۴۰۹) التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱. چاپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۷- عمید، حسن (۱۳۷۱) فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر.

۱۸- فهیمی، فاطمه (۱۳۸۷) زن و حقوق مالی مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران و کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، انتشارات خرسندی.

۱۹- قانون امور حسبی.

۲۰- قانون تجارت و امور ورشکستگی.

۲۱- قانون مدنی.

۲۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲۳- قرآن کریم.

- ۲۴- کلینی، جعفر بن محمد بن یعقوب (۱۴۱۳) الفروع الکافی، الطبعة الاولى دارالاضواء، بیروت، ج ۵ و ۶.
- ۲۵- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹) مقدمه علم حقوق، انتشارات شرکت سهامی، تهران، ج ۲۷.
- ۲۶- ماهنامه صبح، ش ۷۳، نقل از گزارش شورای فرهنگی و اجتماعی زنان.
- ۲۷- محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۳) شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، بیروت، دارالاضواء.
- ۲۸- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰) نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، ج ۳۰.
- ۲۹- مهرپور، حسین (۱۳۶۸) مباحثی از حقوق زن، بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران، انتشارات مؤسسه اطلاعات.
- ۳۰- مهرپور، حسین (۱۳۷۸) نظام بین‌الملل حقوق بشر، شماره ۱۸، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۳۱- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸) تحریر الوسیله، مترجم: علی اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴.
- ۳۲- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۳۱.

32-<http://www.yasinian.com/payam%20e%20yasin/no%2016/negarish%20beh%20zon.htm> access on 95/11/10-January 2017

33- <http://serajnet.org/post/detail/fa/2-39-7-1-7-0/%d9%>.



- acces10/11/1395 – 30 January 2017
<http://journals.iau.ir/article5243220.html> access
on10/11/1395-30 January 2017) 34-
- 35- <http://www.porseshdeh.com/Question/38918/%DA%A9> access on10/11/95-30 January
2017
- 36- Article28...2: Areservation incompatioble with the, 185
objcet and purpose of the present convention shall not be
permitte
- 37- <http://www.hawzah.net/hawzah/Magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberID=4753&id=38589> access on
10/11/95-30 janveh2017
- 38- www.Amercanmotheres.org/CEDAW.htm access on
95/11/10-30 janveh2017
- 39- <http://women.gov.ir/pages/content.php?id=3057> ac-
cess on 95/11/10-30 January 2017
- 40- <http://www.humanrights-ir/news-17529.aspx> access
on 25/11/1395-13 Febuary 2017
- 41- <http://www.hawzah.net/fa/article/view/65732> access
on 30/11/95-30 January2017